

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَوْهَمِ اخْتِيَارِ

و

رازهای عرفانی

جلد دوم کتاب "جبردرونی"

مؤلف: احمد مرتضی زاده

انتشارات احرار تبریز

۱۳۸۵

به مناسبت حضور در نوزدهمین

نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

اردیبهشت ۱۳۸۵



عنوان کتاب:

توهم اختیار و رازهای عرفانی

تألیف: احمد مرتضی زاده

ناشر: انتشارات احرار تبریز / مدیر نشر: کریم باوفا

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد / صفحات: ۱۲۰ صفحه وزیری / چاپ: اول ۱۳۸۵ / سلسله انتشارات: ۲/۶۴

□ حق چاپ مشترکاً برای ناشر و مؤلف محفوظ است.

حروفچینی: احرار / طرح روی جلد: طرح و رنگ / لیتوگرافی: تبریز اسکنر / چاپ: لک لری / صحافی: لک لری

این کتاب برابر مجوز شماره $\frac{5}{11198}$ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی در تبریز به چاپ رسیده است.
۸۴/۱۲/۲۲

آدرس: تبریز - ابتدای خیابان آزادی - نرسیده به اداره اوقاف - نمایشگاه و فروشگاه کتاب آزادگان - انتشارات احرار تبریز

کد پستی: ۵۵۶۳۹۷۳۸۴۴ / تلفن و نمابر: ۰۴۱۱-۳۳۴۸۴۸۰ / همراه ۰۹۱۴۳۱۵۱۲۱۶

نشانی پست الکترونیکی: ahrar_public_tabriz @ yahoo.com

(عضو تعاونی ناشران استان آذربایجان شرقی)

شابک ۹۶۴-۵۸۸۸-۹۲-۱ / ISBN 964-5888-92-1

بهاء: ۲۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۵	 مقدمه
---	-------------

مقاله اول

۱۱	 از واقعیت تا اعتبار
۱۳	 الف - عالم تکوین و عالم اعتبار
۱۶	 ب - حُسن و قُبْح در انسان
۲۱	 ج - حُسن و قُبْح در خدا
۲۸	 د - امر ارادی و امر تکلیفی
۲۹	 هـ - خدا نهی می کند ولی می خواهد

مقاله دوم

۳۹	 امر بین الامرین در کلام ملاصدرا
۴۱	 الف - کلام ابن سینا و اکثر فلاسفه قابل قبول نیست
۴۴	 ب - نظریه عرفا
۴۷	 ج - انسان فاعل بالتسخیر است

مقاله سوم

۵۱	 توحید افعالی
۵۸	 الف - نظام طولی خلقت دو نوع می باشد
۶۱	 ب - محال است که اراده خداوند بی جهت باشد
۶۵	 ج - شیطان کاری را بدون دستور انجام نمی دهد
۶۷	 د - سنوالات ابلیس (شیطان)

مقاله چهارم

- نگاهی گذرا به اشعار عرفانی در زمینه جبر ۷۳
- الف - بُرهان حقیقی مخالف شهود کشفی نیست ۷۴
- ب - مولوی جبری مسلک بوده است ۸۴

مقاله پنجم

- نقش دعا در نظام جبری ۸۷
- الف - قضا و قدر دو نوع می باشد ۸۸
- ب - شب قدر ۹۱
- ج - اوّل لوح محفوظ و بعد لوح محو و اثبات ۹۵

مقاله ششم

- جبر و اختیار از دیدگاه قرآن و حدیث ۹۷
- الف - باز و رمز الهی ۱۰۳
- ب - جبر و اختیار از نظر احادیث ۱۰۸
- ج - اجل نگهبان مرد است ۱۱۲
- د - اگر بیشتر پاسخ بدهم کافر می شوی ۱۱۶
- هـ - جملاتی از متفکرین غربی ۱۱۷

بسمه تعالی

مقدمه

کدامین اختیار ای مرد جاهل کسی را کو بُود با لذات باطل
«گلشن راز»

چند سال قبل برای تهیه مقاله‌ای در رابطه با بحث جبر و اختیار مشغول به نوشتن شدم. مطلب را بر اساس اطلاعاتی که از جاهای مختلف داشتم شروع کردم و بعد سریعاً به نتیجه‌ی دلخواه خود که اثبات امر اختیار بود رسیدم ولی از آنجائیکه بر اساس طرز تفکر خود هرگز به قشری‌گری و سطحی‌نگری قانع نبوده‌ام شروع به طرح سئوالات و شبهات مختلف نمودم که البته این کار را نیز برای تعمیق بحث و محکم کردن دلایل و ایجاد پشتوانه‌ی عقلی برای اثبات امر اختیار انجام دادم ولی نتیجه‌ی کار تقریباً برعکس از آب در آمد یعنی هر چه به عمق مطلب نفوذ می‌کردم آثار اختیار را کم رنگ‌تر و کم رنگ‌تر می‌دیدم و بالاخره با اینکه ما می‌خواستیم اختیار را اختیار کنیم ولی جبراً به جبر رسیدیم و از طرف دیگر یک مقاله تبدیل به دو جلد کتاب گردید که کتاب حاضر در واقع جلد دوم از کتاب "جبردرونی و نقد آراء اختیار" می‌باشد.

البته چند نکته را در اینجا باید متذکر شویم:

۱- تعریف "جبر و اختیار" در این نوشته‌ها با تعاریف مصطلح متفاوت است و ما به طور مفصل در کتاب "جبردرونی" به آن پرداخته‌ایم. جهت اطلاع از محتوای مباحث مطروحه در کتاب مذکور، فهرست مفصل آن کتاب را در آخر این نوشته آورده‌ایم.

۲- کتاب "جبر درونی" عمده‌تاً بر اساس اصول عقلانی و براهین فلسفی تدوین گشته است و در آنجا سعی شده است که از علوم نقلی تا حد ممکن استفاده نشود و لذا مباحث علوم نقلی مربوط بحث جبر و اختیار را به کتاب حاضر محوّل کرده‌ایم.

۳- همه‌ی مطالب و مفاهیمی که در رابطه با رویکردهای عرفانی این قضیه در کتاب حاضر و از قول شخصیت‌هائی نظیر ابن عربی - ملاصدرا - حافظ و غیره آورده شده است بعد از تألیف کتاب "جبردرونی" به دست این حقیر رسیده است و بعداً اینجانب موفق به دریافت این مفاهیم عالی مفتخر شده‌ام و لذا مطالب کتاب "جبر درونی" مستقلاً از خود اینجانب می‌باشد.

۴- تألیف و انتشار این دو کتاب صرفاً بر اساس احساس وظیفه شرعی و انسانی صورت گرفته است چرا که خلاء این مباحث در میان دهها کتب مربوطه را به شدت لمس نمودم.

۵- به افرادی که مطالعات مقدماتی و یا زمینه‌های فکری در این موارد را ندارند، خواندن این دو کتاب را به آنان توصیه نمی‌کنیم.

تدرس و واهمه از جبر

لازم به ذکر است که گفته شود اکثر متفکرین معمولاً از کلمه‌ی جبر می-هراسند یعنی آنان بیشتر از آنکه به محتوای مباحث جبر و اختیار می‌پردازند از خود کلمه‌ی جبر از خود واهمه نشان می‌دهند و همواره سعی می‌کنند که با توجیهی متناسب، به یک نحوی از دست آن فرار کنند این فرار که یک حالت روانی است به چندین دلیل می‌تواند بوجود آید.

۱- این متفکرین گمان می‌کنند که هر جبری با آزادی و کرامت انسان منافات دارد بنابراین برای حفظ کرامت خود باید از جبر متنفر بوده و از آن گریخت. به زعم این افراد جبر یعنی تسلیم در برابر غیرخودی و این یعنی احساس حقارت و انسان که ذاتاً خود را دوست می‌دارد از این احساس حقارت فرار می‌کند و همین‌طور از آنجائیکه آدمی خود را محور خلقت می‌داند هر گونه محدودیت را توهین به خود تلقی کرده و از آن فرار می‌کند.

۲- این متفکرین می‌بینند که در طول تاریخ بیشتر حاکمان فاسد و زورگو از شعار و تفکر جبری سوء استفاده کرده‌اند بنابراین این افراد فکری‌کنند که برای تبری و دوری جستن از حاکمان زورگویایستی از جبر نیز دوری جست.

۳- این افراد گمان می‌کنند که "جبر" یعنی پوچ بودن و هیچ‌کاره شدن انسان و لذا جبر را مترادف با "عبث" و بیهوده بودن انسان می‌فهمند و به خاطر همین "عدم غایت برای انسان" از جبر متنفر می‌شوند.

۴- این افراد گمان می‌کنند که با فرض جبری بودن اعمال انسان، اصل پاداش و کیفر نیز از بین خواهد رفت که به دنبال آن عدل الهی نیز بی‌معنی می‌گردد و لذا از آن می‌گریزند.

۵- و بالاخره بسیاری از این افراد از جو روانی حاکم بر مقوله‌ی جبر می‌ترسند و همواره سعی می‌کنند تا از کلمه جبر استفاده نکنند. اگر در کلام بعضی از این آقایان دقت کنیم به راحتی می‌بینیم که ایشان در بین مطالب خود تمامی محتوای امر جبری را بیان کرده و از آن دفاع می‌کنند و فقط از کلمه‌ی جبر استفاده نمی‌کنند و این بخاطر همان ترس و واهمه از کلمه جبر است که این آقایان از خودشان می‌دهند.

اگر ما به حقیقت مسئله‌ی جبر و اختیار به دور از هر گونه سطحی-نگری پردازیم به دو بخش کاملاً مجزا از هم در امور جبری پی می‌بریم:

۱- جبر درونی ۲- جبر بیرونی

با تفکیک و توضیح این دو بخش می‌توان به ترس و تنفر این متفکرین محترم خاتمه داد و ما در کتاب جبر درونی و همین‌طور در کتاب حاضر تفصیلاً به این امور پرداخته‌ایم و بطلان همه موارد فوق را به وضوح نشان داده‌ایم و همچنین مشخص نموده‌ایم که این حالات روانی به خاطر عدم درک صحیح مسئله بوجود می‌آید. آن‌انکه اسیر این حالات روانی نبوده‌اند و از این که دیگران چه فکری در مورد آنها بکنند، آزاد

۱ در مباحثی مثل قضا و قدر - علم و اراده ازلی الهی - اصل علت و معلول - توحید افعالی و غیره و یا در مباحث جدید علمی مثل علوم ژنتیکی - پدیده روانشناسی و جرم‌شناسی مجرمان و غیره می‌توان شواهد زیادی از قول این افراد در این رابطه استخراج کرد.

بوده‌اند بدون کوچکترین واهمه‌ایی از مفاهیم و کلمات جبری نیز (در کنار محتوای بحث‌شان) استفاده کرده‌اند.

حافظ می‌گوید:

اگر چه نبود اختیار ما حافظ تو در طریق ادب باش گو گناه من است

شیخ محمود شبستری می‌گوید:

هر آنکس را که مذهب غیر جبر است نبی فرموده کو مانند گبر است

احمد مرتضی زاده

سال ۱۳۸۵